

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۹ جولای ۲۰۲۰

بازی استخباراتی پاکستان با طالب!

شنبه- ۲۸ سرطان ۱۳۹۹ - کابل: در این روزها یکی از اخبار مهم که توسط رسانه ها بدانها پرداخته می شود، تغییر و تحولاتی است که در دفتر قطر و در کل در ساختار تشکیلاتی طالب صورت گرفته است. رسانه ها به طور عموم تلاش می ورزند در این تغییرات، به افرادی که جدیداً مقرر می گردند و این که آنها تا چه حد طرفدار صلح اند و یا ادامه جنگ را خواهان انداز یک سو به چشم مردم خاک پاشیده، یک گروه و ابسته و مزدور کشور همسایه ما پاکستان را صاحب صلاحیت در تعیین خطوط سیاسی آنها معرفی نمایند، و از جانب دیگر با پوشاندن خلعت استقلال فردی بر تن تعدادی از افراد آنها، استخبارات پاکستان و در کل سیاست های پاکستان را در زمینه از انظار مخی دارند. در یادداشت امروز توجه شما را به چند نکته جلب می نمایم:

۱- قوم پشتون به مانند تمام اقوام کره ارض در نهایت به شاخه ها تقسیم می گردد. تا جایی که وقایع تاریخی در افغانستان ارتباط دارد، تقسیم قوم واحد پشتون به دوشاخه "غلجائی" و "درانی" و شاخچه های منقسم از آنها، تقریباً از آغاز افغانستان معاصر در قرن ۱۸، یکی از نقاط ضعفی بوده که قوم پشتون و به تاسی از آن تمام اقوام افغانستان و کشور در کلیت آن از آن بابت رنج زیادی را متحمل شده اند.

استفاده آشکار از این تضاد به "نادرافشار" بر می گردد که جهت سرکوب "نهضت هوتکی"، تصرف مجدد قندهار و بیرون راندن "شاه حسین هوتکی" از قندهار و تبعید وی به یکی از شهر های ایران، از شاخه های متعدد درانی - ابدالی استفاده نمود.

۲- تشکیل سلسله مشتعل درانی به وسیله "احمدخان ابدالی"، و ایجاد امپراتوری بزرگی به نام "امپراتوری درانی" که بعداً به افغانستان مسمما گردید، از آنجائی که متشکل از تمام اقوام و قبایل پشتون و غیر پشتون و به مثابه یک سلطنت متمرکز فیودالی بنا یافته بود، تا حد زیادی قادر شد از طریق سیاست "توجه به مرزها" و "گسترش سرحدات"، اختلاف درونی اقوام را به عقب براند. حرکتی که در کل حدود ۸۶ سال با فراز و نشیب های زیادی دوام نموده توطئه گری های دولت های خارجی و همسایه آن زمان جهت تحریم غلجائی ها علیه درانی ها در نطفه خاموش شد.

۳- این وضع با گذشتن حدود ۷۰ سال از ۸۶ سال، بر مبنای توطئه گری های قدرت استعماری انگلیس که تازه وارد میدان رقابت های سیاسی در افغانستان شده بود، و بعد از آن که آنها مطمئن شدند که "آتش غلجائی" ها خود را "گرم"

نمی‌توانند، تضاد درونی قوم "درانی" را در وجود شاخه‌های "سدوزائی" و "بارکزائی" دامن زده، کشتن "شاه شجاع" به وسیله "شاح الدوله" پسر نواب زمان خان "بارکزائی" که سرانجام به سلطه "امیر دوست محمد خان" گردید، در واقع نقطه پایانی بر رقابت جوئی "سدوزائی" ها گذاشت.

۴- از آن به بعد استعمار انگلیس که خود را صاحب بی‌رقیب کشور می‌دانست ضمن تلاش بی‌حد و حصر جهت ایجاد فضاء و زمینه تشدید تضاد بین اقوام غلجائی با درانی‌های شاخه بارکزائی که اوج آن حین سرکوب‌های امیر عبدالرحمان خان تبارز یافت، با تمام قواء کوشش به عمل آورد تا سیاست تجزیه قوم پشتون را عمق بیشتر بخشیده، فرزندان بارکزائی را نیز به جان یک‌دیگر بیندازد که سرانجام آن، به حاکمیت خاندان طلائئ منجر گردید.

۵- فاجعه هفغ ثور ۱۳۵۷، هرچند در جهت تأمین منافع روسها انجام یافت و هیچ ربطی به هیچ شاخه‌ای از اقوام پشتون نداشت، مگر زمینه‌ای را به وجود آورد تا مزدوران روس اشغالگر در وجود "تره‌کی، امین، تنی، گلاب زوی، داکتر نجیب" و بقیه وطن‌فروشان خلقی-پرچمی با ریشه تباری "غلجائی"، حرکت میهن‌فروشان شان را به نحوی انتقام تاریخی "غلجائی" ها از "درانی" ها تبلیغ نموده سخت تلاش نمودند ضمن آن که نفرت و انزجار قومی و تباری را بین سایر باشندگان افغانستان ایجاد و دامن بزنند، حتا عین تضاد را بین "درانی" ها و "غلجائی" ها نیز تشدید نمایند.

۶- شعار و اهدافی را که گاهی علنی و زمانی هم مفی و اعلان نشده اجرای آن در دستور کار قرار گرفت، خلاف حاکمیت "درانی" ها در کل که افغانستان را از تمام مردم افغانستان و محصول کار و مبارزه مشترک تمام مردم افغانستان می‌دانستند و از همین رو قادر شده بودند تا حدی زیادی به خصوص در ایام اضطراری مانند دفع تجاوزان انگلیسها و یا دفع تجاوزات ایرانی‌ها در هرات، اتحاد تمام اقوام ساکن این سرزمین را تأمین نمایند، با شونیزم عظمت طلبانه و افغانستان منحصرأ از خود دانستن و تمام ساکنان دیگر این مرزوبوم که حتا تاریخ از تعیین سابقه اسکان آنها در این خطه ناتوان است، بیگانه قلمداد کردن، بستری به وجود آورند که دشمنان افغانستان به ویژه کشور های همسایه بتوانند بر بالای آن سرمایه گذاری نموده، جای پای استعماری خود را در افغانستان محکم نمایند.

ادامه دارد